با خورشید انقلاب
(خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

اشراف به جزئیات علم موسیقی

در ملاقاتی که موسیقی دانان و خواننده‌ها با رهبر معظم انقلاب داشتند، ایشان مفصّل در مورد انواع موسیقی، ابعاد موسیقی، شکل‌ها و ردیف‌های آوازی صحبت کردند. آقای دکتر لاریجانی تعریف می‌کرد: زمانی که سخنرانی تمام شد، تمام صاحب نظرانی که حضور داشتند حتی اشخاصی که خود صاحب سبک می‌باشند، از اطلاعات وسیع ایشان، متحیر مانده بودند.

*** حجت‌الاسلام پاینده (از اساتید دانشگاه)، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.**

ترک جلسه به‌خاطر توهین به شهید بهشتی

یکی از اعضای وقت شورای مرکزی جامعه روحانیت، به دلایلی کدورتی از حزب داشت؛ در شورای مرکزی جامعه روحانیت و در غیاب شهید بهشتی تعبیر بدی درباره حزب و در مورد شهید بهشتی به کار برده بود؛ کلمه‌ای که شاید قدری موهن بود. تلقی‌اش این بود که شهید بهشتی نقش اصلی‌ای را در این تحزب دارد. آن موقع شهید بهشتی دبیرکل حزب بود. آن شخص در واقع شبه‌عقده‌ای از حزب داشت و از این‌رو تعبیر موهنی در مورد ایشان کرد. خوب یادم هست به محض اینکه این تعبیر را به کار برد، آقا به قدری ناراحت شدند که گفتند: «نشستن در جلسه‌ای که به آقای بهشتی توهین می‌شود، حرام است» و بلند شدند. شما از همین مورد می‌توانید به رابطه آقا و دکتر بهشتی پی ببرید.

آقا فوق‌العاده به شهید بهشتی علاقه‌مند بودند. وقتی می‌خواستیم خبر شهادت آیت‌الله بهشتی را به آقا بدهیم واقعاً نمی‌دانستیم چگونه بگوییم. آن موقع آقا بر اثر سوءقصدی که به ایشان شده بود، مجروح بودند. وقتی این خبر را شنیدند، بسیار برایشان ناگوار بود.

*** آیت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی** - khamenei.ir

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

نماز در محل تحصیل

س) آیا محل تحصیل دانشجویی که در خوابگاه می‌باشد، به صورتی که پنج روز در هفته در محل تحصیل زندگی می‌کند، حکم وطن را دارد؟

ج) محل تحصیل یا زندگی موقت، وطن نیست، البته اگر بنا دارد حداقل یک سال به طوری اقامت داشته باشد که عرفا مسافر محسوب نشود، بدون نیاز به قصد اقامت ده روزه، نماز تمام است.

بخشش گناهان به شرط ادای حق الناس و حق‌الله

س) اگر کسی در زندگی‌اشتباه کند، آیا خدا او را می‌بخشد یا باید ناامید شد؟

ج) توبه حقیقی و جدی به پیشگاه خداوند غفار، موجب بخشیده شدن گناه (اگرچه کبیره باشد) می‌شود و ناامید شدن از حضرت حق، خود گناه است ولی باید توجه داشت که اگر حق‌الناس در میان است، باید پرداخت شود و نیز چنانچه حق‌الله از قبیل قضای نماز یا روزه بر عهده شخص است باید جبران شود.

حرمت خراب کردن زندگی دیگران

س) حسادت و خراب کردن زندگی دیگران چه حکمی دارد و عقوبتش چیست؟

ج) خراب کردن زندگی دیگران حرام است و عقوبت آن در اختیار خداوند است.

ظلم به حیوان بی‌آزار

س)متأسفانه همسایه‌ای داریم که از روی ترحم گربه را غذا می‌دهد ،همین امر موجب شده که تعداد گربه‌ها در کوچه زیاد شود و موجب اذیت و آزار و احتمال بیماری شده است لذا خواهشمندم بفرمایید آیا از نظر شرعی از بین بردن آنها چه حکمی دارد؟

ج) دفع حیوان موذی اگر مملوک شخص دیگری نباشد، جایز است و ظلم به حیوانی که اذیت نمی‌کند، جایز نیست.

مقابله بمثل با افراد دروغگو و منافق

س)آیا می‌شود در مقابل کسانی که نفاق و دورویی و دروغ در رفتار و گفتار آنها مشهود است و به این صفات مشهورند، از حربه‌های خودشان یعنی نفاق و دروغ و دورویی استفاده کرد؟

ج) جایز نیست.

حکایت اهل راز

واکنش شیخ مرتضی زاهد به آب‌رسانی بی‌نوبت به منزل ایشان

در قدیم و تا زمانی که هنوز لوله‌کشی‌های آب به خانه‌ها نیامده بود، درهر خانه‌ای آب انبار و حوضچه‌ای برای ذخیره آب وجود داشت. این آب انبارها هر چند وقت یک بار توسط مأموری معروف به «میرآب» پر می‌شد. میرآب با سرازیر کردن و هدایت آب در جوی‌های خیابان‌ها و کوچه‌ها، آب را به خانه‌های مردم می‌رساند. یک شب یکی از همین میرآب‌ها، آب را به سوی محله حمام گلشن و کوچه آقا شیخ مرتضی زاهد سرازیر می‌کند. او می‌بایست به ترتیب و به نوبت، حوض و آب‌انبارهای خانه‌های این کوچه را پر می‌کرد و خانه آقا شیخ مرتضی نیز بعد از چند خانه نوبتش می‌شد، اما آن شب آن آقای میرآب، در همان ابتدای آب‌رسانی متوجه می‌شود که درخانه آقا شیخ مرتضی، خبری از آب نیست و حوض منزل به طورکامل خالی شده است، بنابراین او به احترام آقا شیخ مرتضی، بدون رعایت نوبت، آب را به سوی خانه ایشان سرازیر می‌کند و حوض خانه ایشان را پر از آب می‌کند. آن شب آقا شیخ مرتضی به این مطلب آگاهی پیدا می‌کند. حاج محمد علی اخوان می‌گفت: آن شب دیدم در می‌زنند؛ صدایی از پشت در بلند شده بود و می‌گفت: « حاج محمد حسن آقا! حاج محمد حسن آقا! در را باز کنید.» آن صدا، صدای آقا شیخ مرتضی زاهد بود. ما رفتیم در را باز کردیم و ایشان با آن قد خمیده‌اش به داخل خانه آمد. آقا شیخ مرتضی به پدرمان گفت: «آقای حاج محمد حسن آقا! این آقای میرآب امشب لطف کرده است و بی‌نوبت، ابتدا آب را به خانه ما آورده است و من الان نمی‌توانم بروم از همه همسایه‌ها حلالیّت بگیرم و رضایتشان را جلب کنم، بنابراین آمده‌ام اینجا وضو بگیرم؛ اجازه می‌فرمایید؟!» و آقا شیخ مرتضی تا زمانی که حوض منزلشان از آن آب بی‌نوبت خالی نشده بود، احتیاط می‌کرد و برای وضو و تطهیر به خانه ما می‌آمد!

*** شیخ مرتضی زاهد، ص ۱۳۲/ کتاب: رستگاران، چاپ دوم، ص ۲۷.**

صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
MaarefKayhan@Kayhan.ir

سلطه شیطان بر انسان و آثار و موانع آن

مجید سرلک

در نوشتار حاضر نویسنده به موضوع سلطه و ولایت شیطان بر انسان‌ها و آثار این سلطه پرداخته و ضمن بیان راه هایی که شیطان با آن بر انسان مسلط می‌شود، به برخی موانع و راهکارهای دوری از ولایت ابلیس هم اشاره کرده است.

***

هر چند که شیطان نام عمومی برای هر کسی است که شیطنت داشته باشد، از این رو در آیات قرآن از شیاطین انسی و جنی سخن به میان آمده است تا نشان دهد که شیطان تنها این موجود جنی معروف نیست؛ اما از آنجا که ابلیس مصداق کامل شیطنت است، این نام به شکل اختصاصی برای او نیز به کار می‌رود؛ زیرا همه شیاطین جنی و انسی به شکلی تحت ولایت ابلیس قرار دارند که شیطان بزرگ و پیشوا و امام کفر است؛ چرا که شیاطین بزرگ دیگر از فرعونیان و مستکبران در طول تاریخ دچار زوال و نابودی می‌شوند و اجل آنها به پایان خود می‌رسد؛ اما شیطان بزرگ جنی، یعنی ابلیس تا زمان «الوقت المعلوم» یعنی حاکمیت دولت امام زمان(عج) همچنان می‌تازد و ولایت طاغوتی او برقرار است؛ زمانی که ولایت مطلقه دولت ولی‌عصر(عج) ایجاد می‌شود، دیگر ولایت طاغوتی ابلیس از میان خواهد رفت؛ اما تا پیش از این تاریخ، همچنان مومنان و مردمان گرفتار ولایت طاغوتی شیطان هستند که می‌بایست از آن خود را حفظ کنند.

در آیات قرآن آثاری برای ولایت طاغوتی شیطان بیان شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- خسران کامل ابدی: انسان گاه از سود ضرر می‌کند، به طوری که هیچ سودی نمی‌برد یا سودی اندک می‌برد؛ ولی گاه از سرمایه ضرر می‌کند که در اصطلاح عربی از آن به خسران یاد می‌شود. خسران، زیان از اصل سرمایه است. این زیان از سرمایه می‌تواند اندک باشد و گاه می‌تواند کل سرمایه را تباه کند، به طوری که هیچ سرمایه‌ای در اختیار شخص نباشد. از نظر قرآن، کسانی که فرصت عمر خویش را با ولایت طاغوتی شیطان تباه می‌کنند، گرفتار خسران مطلق، کامل و ابدی هستند. از همین رو خدا می‌فرماید: هر کسی که شیطان را به جای خدا به عنوان ولی بپذیرد، همانا زیان کرده است زیانی روشن. (نساء، آیه ۱۱۹) چنین فردی در حقیقت، چنان از سرمایه وجودی تهی می‌شود که در روز قیامت هیچ وزنی ندارد و در ترازوی حق تهی و پوچ است.

۲- گمراهی: از آثار و پیامدهای پذیرش ولایت طاغوتی شیطان از جمله دولت‌های استکباری همانند آمریکا، این است که این افراد هرگز در مسیر هدایت قرار نمی‌گیرند، بلکه روز به روز از هدایت دور شده و به سوی گمراهی کشیده می‌شوند (اعراف، آیه ۳۰؛ حج، آیات ۳ و ۴)؛ هر چند که اولیای طاغوتی برای فریب اولیای خویش مدعی هدایت رشدی می‌شوند و بر این امر تاکید می‌کنند که رشد کمالی تنها در سایه ولایت آنان تحقق می‌یابد و با نگاهی به ظواهر امر می‌توانند مدعی این معنا باشند؛ زیرا قدرت و شوکت و ثروت در اختیار آنان است؛ چنانکه دولت فرعونی در گذشته و دولت استکباری امروز آمریکا این گونه است. (غافر، آیه ۲۹) سلطه بر آبها و آبراه‌ها و جان و مال مردم مصر در گذشته و بر جان و مال مردم جهان امروز، نمونه‌هایی است که شیاطین طاغوتی بدان استدلال می‌کنند تا اولیای خویش را در مسیر گمراهی قرار دهند؛ در حالی که این قدرت و شوکت تنها از باب سنت مهلت‌دهی و استدراج است که خدا بر آن است تا این گونه مومنان واقعی را از کافران و منافقان جدا سازد. (نگاه کنید: زخرف، آیات ۳۲ تا ۳۵؛ آل عمران، آیه ۱۷۸؛ اعراف، آیه ۱۸۲؛ قلم، آیات ۴۴ و ۴۵) به هر حال از نظر قرآن، شیطان چنانکه سوگند یاد کرده جز گمراهی مردم کاری نمی‌کند و هدایت او به سوی دوزخ و بدبختی است. (حج، آیات ۳ و ۴)

۳- عذاب: از دیگر آثار پذیرش ولایت طاغوتی شیطان و شیاطین تحت ولایت او، گرفتاری به شکنجه و عذاب‌های دنیوی و اخروی است. کسانی که تحت ولایت شیطان قرار می‌گیرند از سوی خدا بشدت عذاب می‌شوند؛ هر چند که عذاب‌های دنیوی آنان ممکن است اندک باشد یا حتی دیده نشود، اما عذاب‌های اخروی آنان چیزی جز دوزخ و آتش آن نیست. (نساء، آیات ۱۱۹ تا ۱۲۱؛ حج، آیات ۳ و ۴)

۴- ترس: ولایت الهی موجب رهایی انسان از حزن و خوف می‌شود و کسانی که تحت ولایت الله قرار دارند و ایمان و استقامت می‌ورزند، هرگز دچار خوف و حزن نمی‌شوند (فصلت، آیه ۳۰؛ احقاف، آیه ۱۳)؛ زیرا خدا را همواره با خود همراه می‌یابند و به حکم «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ» (حدید، آیه ۴) یقین دارند و می‌گویند: إِنّ اللهَ مَعَنَا. (توبه، آیه ۴۰) اما کسانی که تحت ولایت شیطان قرار می‌گیرند، همواره در حالت ترس هستند؛ زیرا شیطان برای مدیریت و مهار اولیای خویش، آنان را می‌ترساند و حربه ترساندن، روشی برای حفظ و بقای ولایت اوست؛ چنانکه امروز آمریکا، این شیطان بزرگ استکباری نیز اولیای خویش را در منطقه غرب آسیا و حتی اروپا و آمریکا، با حربه ترساندن مهار و مدیریت می‌کند تا تحت ولایت شیطانی و طاغوتی او باقی باشند. خدا به صراحت درباره این حربه و شیوه استکباری شیطان می‌فرماید: إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ؛ در واقع این شیطان است که اولیایش را می ترساند.(آل عمران، آیه ۱۷۵)

۵- مجادله ناحق: از دیگر آثار و پیامدهای ولایت طاغوتی شیطان، مجادله ناحق در امور است. شیطان همان طوری که خود به مجادله می‌پردازد و به ظواهر استناد کرده و خود را برتر از آدم می‌داند، همین گونه مجادله گرایی را به اولیای خویش نیز آموزش می‌دهد. (حج، آیات ۳ و ۴) اصولا از نظر قرآن کسانی گرفتار شیطان و ولایت او می‌شوند که خود گرفتار چنین اموری هستند و بدون اینکه تعقل کنند دنبال اموری می‌روند که سرانجام آن ولایت شیطان است؛ یعنی کسانی که اهل تعقل نیستند، به سبب همین گرایش باطل و بی‌خردی دچار ولایت شیطان می‌شوند و به جدال و مجادله باطل و ناحق می‌پردازند. (همان)

راه‌های سلطه و ولایت شیطان

از آنجا که ولایت شیطان خطرات بسیاری را برای سلامت و عاقبت انسان ایجاد می‌کند، خدا در آیات قرآن به این مهم بسیار توجه و اهتمام داشته است. از همین رو ضمن بیان آثار خطرناک ولایت طاغوتی شیطان، به زمینه‌های سلطه شیطان اشاره کرده تا مردم از آنها اجتناب کنند. مهم‌ترین بسترهای ولایت طاغوتی شیطان عبارتند از:

۱- آرزوهای بی‌پایان: آرزو بر خلاف امید به چیزهایی گفته می‌شود که ابزار و توانایی تحقق آن نیست؛ در حالی امید نسبت به چیزهایی است که نه تنها شخص مستحق آن است، بلکه ابزارهای دسترسی و دستیابی آن را نیز دارا است.

یکی از عواملی که موجب می‌شود تا ابلیس بر جان و جامعه سلطه یابد، آرزوهای بی‌پایان بشر است. شیطان با سوءاستفاده از این آرزوها شخص را به سمت و سویی سوق می‌دهد تا بر وی مسلط شود و نه تنها شخص به آرزویش نمی‌رسد؛ زیرا مستحق آن نبوده و ابزارش را نیز ندارد؛ بلکه حتی چیزهایی که امید بدان داشته نیز از وی سلب می‌شود و گرفتار نومیدی خواهد شد. به هر حال، ابلیس برای اینکه بتواند ولایت خویش را ایجاد کند یا توسعه دهد، از طریق آرزوهای بی‌پایان بشر بر وی مسلط می‌شود. (نساء، آیه ۱۱۹) امروز نیز دولت‌های استکباری و شیطانی با ابزارها و شیوه‌های گوناگون از طریق آگاهی نسبت به آرزوهای مردم و جامعه و دولت‌ها، بر آنان مسلط می‌شوند و آنان را به بهشت‌های دروغین می‌کشانند و سلطه شیطانی خویش را بر آنها گسترش می‌دهند؛ چنانکه دختران و زنان بسیاری را برای بهره‌گیری جنسی و صنعت جنسی این گونه از خانه و کاشانه و کشورشان خارج کرده و به تباهی کشانده‌اند.

۲- وعده‌های باطل: شیطان وعده‌های پوچ و دروغین بسیار می‌دهد تا این‌گونه سلطه خویش را بر انسان ایجاد کند یا گسترش دهد. این وعده‌ها همواره باطل و پوچ است و هرگز بدان عمل نمی‌شود؛ زیرا شیطان در وعده خویش تخلف می‌کند.(ابراهیم، آیه ۲۲) با نگاهی به وعده‌های دولت‌های استکباری و شیطانی در جهان امروز می‌توان از تاثیر این شیوه بر سلطه و ولایت شیطانی آگاه شد. دولت‌های استکباری با وعده‌های دروغین بسیاری از مردم و جوامع و دولت‌ها را به تباهی کشیده و تحت سلطه شیطانی و ولایت بی‌چون و چرا خویش قرار داده‌اند.

۳- ولایت‌پذیری: کسانی که به ولایت شیطانی گرایش دارند و دوست دارند ارتباط خویش را با شیطان و دولت‌های شیطانی حفظ کنند، به طور طبیعی تحت سلطه بی‌چون و چرای شیطان قرار می‌گیرند؛ زیرا یکی از بسترهای سلطه شیطان، پذیرش ولایت اوست.(نحل، آیه ۱۰۰) خدا بارها به مومنان و دولت اسلامی هشدار می‌دهد که هر گونه ارتباط حتی در سطح دوستی را با دولت‌های استکباری و شیطانی قطع کنند؛ زیرا این ارتباط می‌تواند ضمن آگاه‌سازی دشمنان نسبت به امور نهان فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز سلطه بی‌چون و چرای آنان شود. (آل عمران، آیه ۱۱۸؛ مائده، آیات ۵۱ و ۵۷؛ نساء، آیات ۸۹ و ۱۴۴؛ توبه، آیه ۲۳؛ ممتحنه، آیات ۲ تا ۸)

۴- شرک: از دیگر عوامل تاثیرگذار در پذیرش ولایت شیطان و سلطه او می‌توان به شرک اشاره کرد؛ زیرا شرک به معنای آن است که انسان از توحید بویژه در توحید فعلی جدا و در امور خویش به غیر خدا متوسل شود. همین امر موجب می‌شود تا شیطان ولایت و سپس سلطه بی‌چون و چرای خویش را بر شخص یا جامعه ایجاد کند. (نحل، آیات ۹۸ و ۱۰۰)

۵- گناه: اصولا شیطان از طریق گناه شخص است که بر وی مسلط می‌شود؛ زیرا از نظر قرآن، دشمن‌ترین دشمن انسان هواهای نفسانی است که موجب می‌شود تا زمینه سلطه شیطان فراهم شود. (ابراهیم، آیه ۲۲) برخی از گناهان همچون فرار از میدان جهاد موجب می‌شود تا شیطان به این افراد دل بسته شود و سلطه خویش را به وجود آورد. (آل عمران، آیه ۱۵۵) امروز کسانی که مدعی اسلام رحمانی هستند و از جهاد و مقاومت در برابر استکبار جهانی سرباز می‌زنند و به قول خویش اهل گفت‌وگو و مذاکره و لبخند هستند، گرفتار سلطه شیطانی آمریکا و ابلیس هستند.

۶- مراجعه به طاغوت: کسانی که برای حل و فصل مشکلات و دعاوی خویش به طاغوت مثلا مجامع به ظاهر بین‌المللی و استکباری مراجعه می‌کنند، در حقیقت از ولایت‌الله خارج و به ولایت طاغوت وارد شده و شیاطین جنی و انسی بر ایشان سلطه می‌یابند. در حالی که پیامبر(ص) و رهبری امت وجود دارد، مراجعه به بیگانگان و دشمنان چیزی جز مراجعه به طاغوت و پذیرش ولایت و سلطه او نیست.(نساء، آیات ۶۰ و ۶۱)

۷- همدلی و همراهی با طاغوت: کسانی که همدل و همراه دشمنان و طاغوتیان هستند، در حقیقت تحت ولایت آنان داخل شده‌اند. به سخن دیگر، همسویی در مواضع و افکار و رفتارها با طاغوت و طاغوتیان موجب می‌شود تا این افراد تحت سلطه شیطان طاغوتی قرار گیرند هر چند که به ظاهر مسلمان باشند. (نساء، آیه ۷۶)

۸- عدم تبری از طاغوت: تولی و تبری مکمل یکدیگر هستند و کسی که تولی ولایت الهی دارد، می‌بایست از ولایت طاغوت تبری جوید. کسانی که چنین نمی‌کنند تحت ولایت شیطان و سلطه او قرار می‌گیرند.(ق، آیات ۲۶ و ۲۷؛ بقره، آیه ۲۵۷؛ نساء، آیات ۶۰ و ۶۱)

موانع سلطه و ولایت شیطان

از نظر آموزه‌های قرآن، ولایت شیاطین انسی و جنی، موجب سلطه بی‌چون و چرای آنان می‌شود؛ بنابراین، لازم است تا به هر شکلی شده از ولایت طاغوتی شیطان اجتناب کرد و عوامل و بسترهای آن را از بین برد و به جای آن، عوامل سلطه الهی را تولید و تقویت کرد. مهم‌ترین موانع سلطه شیطان عبارتند از:

۱- ایمان به خدا: ایمان به خدا، مانع نفوذ و سلطه شیطان بر آدم است.(نحل، آیات ۹۸ و ۹۹) پس هر فرد و جامعه‌ای اگر بخواهد از سلطه شیطان و شیاطین بیرون آید می‌بایست ایمان را در خود ایجاد و تقویت کند؛ زیرا ایمان به خدا است که مانع جدی بر سر راه ولایت شیطان و سلطه او ایجاد می‌کند. کسانی که کافر و مشرک و منافق هستند گرفتار سلطه شیطان از جمله کشورهای استکباری هستند.

۲- استعاذه به خدا: یکی از مهم‌ترین راه‌های جلوگیری از سلطه شیاطین، پناهجویی به خدا است. هر چند که استعاذه کلامی و گفتن «معاذالله» یا «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» کارساز و خوب است، ولی انسان واقعا در دل به خدا پناه برد و خدا را پناهگاه خویش سازد تا شیطان نتواند در طواف دائم خویش راهی به درون او بیابد. (نحل، آیات ۹۸ و ۹۹)

۳- توکل بر خدا: توکل به معنای اعتماد به خدا است که می‌بایست در علم و عمل به نمایش گذاشته شود. البته توکل مراتبی دارد که مرتبه بالای آن تفویض است. در توکل بر خدا می‌توان از اسباب استفاده کرد، ولی این بدان معنا نیست که اسباب به طور مستقل کاری را صورت می‌دهند؛ بلکه به این معنا است که خدا در دنیا با اسباب کارها را پیش می‌برد و از طریق دارو مثلا شفا می‌بخشد.

پس اگر زانوی اشتر را با ریسمان بستیم، به این معنا نیست که توکلی نداشتیم، بلکه می‌دانیم که بستن ریسمان زمانی تاثیر دارد که خدا بخواهد این شتر حرکتی نکند، یا دارو و پزشک زمانی تاثیر خود را می‌گذارد که خدا بخواهد از طریق آنها درمان کند و شفا بخشد.

پس با توکل بر خدا می‌توان از شیطان در امان ماند؛ کسی که معتقد است «ان الله معنا»؛ خدا با ماست، به خدا توکل می‌کند و در همان حال ابزارهای مبارزه با شیطان از جمله نماز و صبر و روزه و مانند آنها را نیز به کار می‌گیرد؛ زیرا اینها ابزارهای استعانت از خدا و به نوعی توکل به اوست.

با ابزارهای جنگی و تولید آن به نصرت دین خدا رفتن زمانی تاثیردارد که توکل باشد.(نحل، آیات ۹۸ و ۹۹)

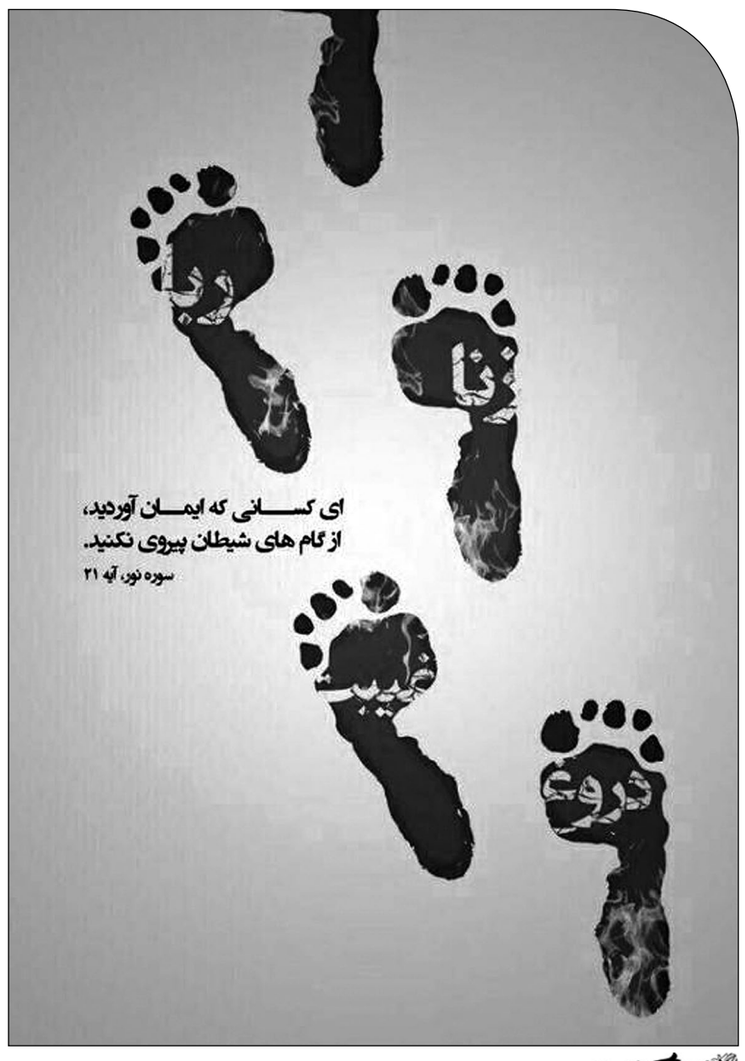

اصولا شیطان از طریق گناه شخص است که بر وی مسلط می‌شود، از نظر قرآن، دشمن‌ترین دشمن انسان هواهای نفسانی است که موجب می‌شود تا زمینه سلطه شیطان فراهم شود.

در توکل بر خدا می‌توان از اسباب استفاده کرد، ولی این بدان معنا نیست که اسباب به طور مستقل کاری را صورت می‌دهند؛ بلکه به این معنا است که خدا در دنیا با اسباب، کارها را پیش می‌برد و از طریق دارو مثلا شفا می‌بخشد. پس اگر زانوی اشتر را با ریسمان بستیم، به این معنا نیست که توکلی نداشتیم، بلکه می‌دانیم که بستن ریسمان زمانی تاثیر دارد که خدا بخواهد این شتر حرکتی نکند، یا دارو و پزشک زمانی تاثیر خود را می‌گذارد که خدا بخواهد از طریق آنها درمان کند و شفا بخشد.

یکی از عواملی که موجب می‌شود تا ابلیس بر جان و جامعه سلطه یابد، آرزوهای بی‌پایان بشر است. شیطان با سوءاستفاده از این آرزوها شخص را به سمت و سویی سوق می‌دهد تا بر وی مسلط شود و نه تنها شخص به آرزویش نمی‌رسد؛ زیرا مستحق آن نبوده و ابزارش را نیز ندارد؛ بلکه حتی چیزهایی که امید بدان داشته نیز از وی سلب می‌شود و گرفتار نومیدی خواهد شد.

چراغ راه

تاثیر رفتار حاکمان بر مردم

قال الامام علی(ع): «الناس بامرائهم اشبه منهم بابائهم»

امام علی(ع) فرمود: مردم به دولتمردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان.[1]

۱- تحف‌العقول، ص ۲۰۸

حکایت خوبان

مسلمان‌سازی با رفتار

مردی نصرانی به امام باقر(ع) (اسائه ادب کرد و) گفت: تو بقر (نعوذ بالله گاو) هستی؟! امام باقر(ع) فرمود: من باقر هستم. مرد بی‌ادب گفت: تو پسرزن آشپز هستی! حضرت فرمود: این (آشپزی) حرفه او بود (و عیب نیست). آن مرد گفت: تو پسر زن سیاه زنگی بد زبان هستی! حضرت فرمود: اگر راست می‌گویی خدا او را بیامرزد و اگر دروغ می‌گویی خدا از تو بگذرد. راوی می‌گوید: آن مرد مسیحی بعد از مشاهده این همه بردباری و بزرگواری مسلمان شد.[1] امام صادق(ع) می‌فرماید: اگر بردبار هم نیستی خود را به بردباری بزن[2]

۱- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۰۷
۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۲

پرسش و پاسخ

جامعه‌سازی همراه با فردسازی

پرسش:

چرا آموزه‌های دین اسلام در حوزه خاص ایمان و اخلاق و مسائل فردی و در یک کلام تربیت فرد تمرکز نکرده و در ابعاد اجتماعی انسان اهتمام وتأکید بیشتری نموده است؟

پاسخ:

رابطه فرد و جامعه

ابتدا باید رابطه فرد و جامعه برای ما روشن شود. شکی نیست که فرد جزء حقیقی جامعه است. او به روشنی از جامعه تأثیر می‌پذیرد و برجامعه نیز اثر می‌گذارد. آدمی در تکوین خود، در زندگی و فرهنگ خود و در برآوردن نیازهایش و همه امور، جزئی از جامعه خویش است و از جامعه اثر می‌پذیرد. نمی‌توان فرد را در کانون همه توجهات قرار داد. و به اوضاع اجتماعی او بی‌توجه بود و از آن غفلت ورزید. نمی‌توان برای فرد و تربیت او برنامه‌ریزی کرد و در عین حال او را در جامعه‌ای رها کرد که با تعالیم و برنامه‌های مذکور تناسب و سنخیتی ندارد. بنابراین اگر بخواهیم فرد صالح و مومن داشته باشیم، غفلت از جامعه و اجتماع فرد به هیچ وجه مجاز نیست. اسلام از زبان پیامبر(ص) می‌فرماید: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» جز این نیست که من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تمام کنم (مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۸) اما آیا مکارم اخلاقی فرد مصونیت دارد و می‌توان آن را در محیط و جامعه‌ای حفظ و صیانت کرد که با آن مکارم و آموزه‌های ایمانی و اعمال متعالی نامتناسب است؟ بنابراین اسلام که خواهان تربیت فرد است تلاش می‌کند که برای او جامعه‌ای فراهم آورد که با تربیت و ایمان و اخلاق و کردار او متناسب باشد. بدین سبب است که اسلام تربیت فرد را به آموزه‌های اجتماعی پیوند زده و این دو را از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر می‌داند.

جامعه و شکل‌گیری آن

بدون شک اجتماع از افراد تشکیل می‌شود. اما آیا فقط وجود افراد برای تشکیل جامعه کافی است؟ به عنوان مثال اگر ابدان هزاران نفر انسان بدون ارتباط و تعامل و داد و ستد و یا خرید و فروش در کنار هم قرار گیرند. می‌توانیم بگوییم که جامعه‌ای تشکیل شده است؟ اینها جمعیتی هستند که ابدان آنها در کنار هم است ولی هنوز جامعه‌ای شکل نگرفته است. بنابراین بنیان جامعه برداد و ستد و تعامل و تبادل میان افراد جامعه است. حال سؤال این است که این شکل تعامل و تبادل میان افراد جامعه چگونه بوجود می‌آید؟

عوامل شکل‌گیری جامعه

پیدایش و شکل‌گیری جوامع انسانی که در آن تبادل، تعامل و داد و ستد میان افراد صورت می‌گیرد سه علت دارد:

۱- تفاوت در شایستگی‌ها

همان‌گونه که شکل بدنی افراد مختلف انسان متفاوت است، انسان‌ها از لحاظ روحیات و استعدادها و توانایی‌های انسانی هم با یکدیگر متفاوت هستند. و همین عامل تفاوت توانایی‌ها و استعدادها اساس تبادل و تعامل و داد و ستد و تشکیل جوامع انسانی است.

۲- اهداف، منافع و غایات پیش‌رو

اهداف، منافع و غایاتی که انسان‌ها در پیش روی خود دارند بسیار عظیم‌تر و گسترده‌تر از توانایی‌های فردی است. لذا فرد به تنهایی نمی‌تواند به آنها دسترسی یابد و به همکاری و داد و ستد با دیگران نیازمند است.

۳- مواجهه با خطرات، تنگناها و دشمنان

انسان در مسیر زندگی خود با خطرات، تنگناها و دشمنانی روبرو است که غلبه بر آنها از توانایی‌های فردی او فراتر است، و یک فرد تنها، بدون همکاری و مساعدت دیگران، امکان پیروزی بر این مشکلات و مبارزه با دشمنان و دفاع از خویش را ندارد. این سه علت از ابتدای خلقت با انسان بوده است، لذا مدنیت یا گرایش انسان به تشکیل جوامع امری طبیعی و بنیادی است، چرا که علت آن در نهاد انسان نهفته است و دلیل اینکه نظر مشهور انسان را مدنی بالطبع می‌داند، نتیجه این علل سه گانه درونی انسان می‌باشد، که آن را شعور مدنی یا حس تعامل یا میل به داد و ستد می‌نامند. این حس در انسان اصیل و ذاتی و طبیعی است و اسلام در برخورد با آن تلاش می‌کند ریشه‌های آن را بشناسد و آن را ژرفا و عمق بخشد.

نگاه اسلام به جامعه

از منظر اسلام افراد جامعه با یکدیگر برادرند (حجرات-۱۰) و مومن برادر مومن و همچون جسمی واحدند که هر گاه عضوی بدرد آید، آن درد در سایر اعضای جسم ظاهر می‌شود. اسلام اعضای جامعه را به اجزای بدن تشبیه می‌کند و این معنا در بسیاری از آیات قرآن دیده می‌شود. پیامبر گرامی(ص) می‌فرماید: مردم مانند دانه‌های شانه با یکدیگر مرتبط و مساوی هستند و عرب برعجم هیچ برتری ندارد مگر با ارزش تقوا (که ملاک برتری است) (من لایحضر الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۹)

سلوک عارفانه

تداوم انقلاب اسلامی در پرتو آزادی فکر، بیان و قلم

(بدان ای سالک راه خدا!) هرکس می‌باید فکر، بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد. اتفاقا تجربه‌های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری ولو از روی سوءنیت برخوردار بوده است، این امر به ضرر اسلام تمام نشده است، بلکه در نهایت به سود اسلام بوده است. اگر در جامعه ما محیط آزاد برخورد آرا و عقاید به وجود آید، به‌طوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف‌هایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظرات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه سالمی خواهد بود که اسلام هرچه بیشتر رشد می‌کند[1]

۱- پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مطهری(ره)، ص۶۳